



شماره ثبت: ۳۱۴۶

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب:

۲.....	معونة للظالمين
۲.....	مرور جلسه گذشته
۲.....	ادله ديگر در روايات
۲.....	ادله عقلي
۲.....	تنظيم ادله
۳.....	گروه بندي ادله خاصه (روايات)
.....	جمع بندي خطا محل ياب تعريف نشده.
۴.....	نکته مهم
۴.....	تقسيم بندي روايات گروه دوم
۵.....	نتيجه مبحث
۵.....	نکته مهم



شماره ثبت: ۳۱۴۶

معونة للظالمين

مرور جلسه گذشته

عرض کردیم در بحث معونة للظالم ادله‌ای داریم، یک سری ادله، اخبار و روایات بودند. ادله‌ی دیگر، آیه‌ای سوره هود بود. ادله بعدی، قاعده اعانه بر اثم است، طبعاً اعانه در ظلم مصداقی از اثم است. البته قواعد عامه نیز شامل اینجا می‌شود.

البته عرض کردیم، کسانی مثل مرحوم خویی، آیت الله تبریزی قواعد عامه را قبول ندارند.

مجموع روایاتی که در این باب ذکر کردیم، ۴۰ روایت بود، حدود سی و پنج روایت در بحث اعانه ظالم، در روایات آمده بود.

ادله دیگر در روایات

غیر از این روایات مستدرک و وسائل، روایاتی آمده است. در ابواب جهاد النفس، باب ۴۶، حدیث ۳۳ و ۳۶ مربوط به اعانه ظالم است. دیگری در همان باب جهاد النفس، باب ۸۰، احادیث ۳ و ۵ با این بحث ارتباط دارد.

عناوین در روایات، اعانه الظالم، اعانة السلطان، دخول فی سلطان، محبت بقاء و ... بود.

البته عامه نیز روایاتی در این زمینه دارند.

ادله عقلی

همان‌طور که قبلاً عرض کردیم، فی الجمله، عقل در اعانه بر اثم حکمی دارد. مفصلاً در قبل توضیحات دادیم.

تنظیم ادله

در اعانه ظالم باید ادله به شکل زیر باشد:

۱. اول ادله عقلی را می‌آوریم.

۲. مرحله بعد آیه سوره هود را استدلال می‌کنیم.



۳. بعد از آن ادله عامه که همان قاعده اعانه بر ظلم است.

۴. بعد از این نیز به روایات خاصه اشاره می‌کنیم.

گروه‌بندی ادله خاصه (روایات)

بحث اساسی ما این است که چطور می‌شود این‌ها را گروه‌بندی کرد. باید ببینیم مفاد این روایات یکی است؟

از کلام بزرگان و مرحوم شیخ (ره) استفاده می‌شود که روایات را به دو دسته تقسیم کرده‌اند:

۱. عون علی الظلم: این مصداقی از قاعده اعانه در اثم است البته با تأکید است.

۲. اعوان الظلمة: این‌ها عون در ظلم نیستند؛ ولی رابطه‌ای با ظالمین وجود دارد.

نکته‌ای که باید توجه بشود این است که اعوان الظلمه دو معنا دارد:

۱. درباری شدن: یعنی همراهی مستمر و بارز و برجسته داشتن با ظالمان

۲. معنی دوم این است که کسانی که مستمر همراه ظالم نیست.

متوجه شدیم که اعوان الظلمه همان مطلق عون الظالم است. اعوان الظلمه قاعده‌ی خاصی ندارد.

جمع‌بندی

روایات و ادله‌ی خاصه را به دو گروه تقسیم‌بندی می‌کنیم.

۱. عون علی الظلم: این مصداقی از قاعده اعانه در اثم است البته با تأکید است. در بعضی از روایات آمده بود که کمک به ظلم ظالم بکند. گناه در اینجا همان ظلم است. این حکم، مطلق ظالم را می‌گیرد. منظور از ظالم نیز در اینجا هر دو معنی را در برمی‌گیرد. یعنی چه صاحب قدرت، نظام باشد و یا نباشد.

۲. اعوان الظالمه: این‌ها عون در ظلم نیستند؛ ولی رابطه‌ای با ظالمین وجود دارد.



شماره ثبت: ۳۱۴۶

گروه اول روایات، روایاتی است که کمک به ظلم را تحریم می‌کند. این گروه از جهتی مطلق و از جهتی خاص است. از جهت ظلم، مطلق است. هر ظلمی از هر کسی باشد. این قسم مصداق قاعده اعانه در اثم است. منظور در اینجا، کمک در عمل مباح اطلاق ندارد. یعنی در تمام امور زندگی شخص ظالم اطلاق ندارد.

گروه دوم روایات، که تعداد بیشتر روایات را شامل می‌شد، به عکس گروه اول هستند. این گروه معنای ظالم را به صورت عام نمی‌گیرد. بلکه معنای ظلم را به صورت خاص اطلاق می‌کند. در نتیجه ظالم را به معنای مطلق نمی‌گیرد و فقط حکومت را می‌گیرد.

در اینجا اعانة الظلم وجود ندارد بلکه اعانة الظالم است. هر نوع کمک، حتی در زندگی روزمره را شامل می‌شود.

نکته مهم

این روایات مذکور مربوط به حکومت است زیرا در بخشی از آن‌ها «هؤلاء» آمده است. در تمام آیات اشاره به امر خاصی دارد. قدر متیقن این‌ها نیز دستگاه حکومتی آن زمان بوده است. گاهی نیز ضمیر اشاره‌ای وجود دارد که البته در آن اطلاقی وجود ندارد.

تقسیم بندی روایات گروه دوم

روایات گروه دوم از لحاظ بیان به سه دسته تقسیم می‌شوند:

۱. روایاتی که ضمیر و اشاره دارد. در این‌ها اطلاق وجود ندارد و قدر متیقن آن‌ها دستگاه حکومتی است.
 ۲. در بعضی نیز تصریح کرده است که بنی فلان و بنی فلان.
 ۳. در بعضی که «اعوان الظلمة» آورده است، در آن روایات قرآینی وجود دارد، انصراف آن‌ها به حکومت جائر است. در این روایات، یا به صراحت، قراین یا انصراف مربوط به ظالم به معنای خاص است.
- کسانی اعانة الظالم را به معنای مطلق ظالم گرفته‌اند. در این صورت آن‌ها با مشکلاتی مواجه شده‌اند. قطعاً هر کمک به هر شکل به ظالم حرمت ندارد. با توجه به مطالب مذکور، کسانی که اعتقاد به معنای مطلق داشتند، به خاطر اینکه دیدند درواقع چنین اتفاقی نمی‌افتد، دست از این اطلاق برداشته‌اند. در صورتی که می‌توانستند اعانة الظالم را به معنای خاص بگیرند. حتی اگر این امر را نپذیریم می‌توانیم بگوییم ذات کمک کردن ایرادی ندارد، از طرفی قدر متیقن آن را ظالم فرضی می‌گیریم.



شماره ثبت: ۳۱۴۶

نتیجه مبحث

تمام مباحث ما، در مورد حکومت‌هایی است که مشروعیت ندارند، در مقابل خداوند و ائمه اطهار (علیهم السلام) هستند. جامعه موظف است که همکاری با حکومت غیر مشروع نکند. تمام این فقه‌ها، فقه سیاسی اسلام است. کسی که ظلمی در اداره و یا جای دیگر می‌شود و یا ظلمی از طرف حکومت مشروع می‌شود، شامل این قضیه نمی‌شود.

اگر جایگاه روایات را تشخیص بدهیم، راه را برای ما باز می‌کند و مفهوم روایات را بهتر متوجه می‌شویم.

آقای خوبی و تبریزی (ره) اعانه بر اثم را مطلقاً حرام نمی‌دانند ولی اعانه در ظلم را حرام می‌دانند. البته باید بدانیم که تقیه خارج از این مباحث است.

امام (ره) نیز می‌فرمایند: هر نوع همکاری با حکومت جائز، حرام است.

روایاتی داریم که هر نوع ارتباط جانب‌دارانه با حکومت غیر مشروع حرام است. عون الظالم، خضوع لسلطان، دخول بسلطان، محبت بقا، نشی معهم، نظر به آن‌ها، رضای به کار آن‌ها و هر تماس جانب‌دارانه اشکال دارد.

نکته مهم

روایاتی که هم لسان باشند، حمل مطلق بر مقید نمی‌شود. اگر یک دلیل بگوید لا تکرّم العالم و دلیل دوم بگوید لا تکرّم العالم الفاسق، در اینجا حمل مطلق بر مقید نمی‌شود. در جایی مطلق بر مقید حمل می‌شود که در جایی بگوید اکرم العالم در جایی بگوید لا تکرّم العالم الفاسق.

هر دو دسته روایت، نهی از همراهی با ظالم است. در نتیجه مطلق بر مقید نمی‌شود.